

آزمون حضوری
شماره چهار

رشته انسانی



تجربہ | ریاضی | انسانی

ویژہ کنکور
۱۴۰۳

مرورنامہ آزمون آزمایشی خلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحہ	تا صفحہ	مؤلف	ویراستار
علوم اجتماعی	جامعہ شناسی دهم صفحہ ۱ تا ۳۳ جامعہ شناسی دوازدهم صفحہ ۱ تا ۹	۲	۹	محمد ابراهیم مازنی	سعید ستوده مهر



درس ۱ دهم: کنش‌های ما (آنچه انجام می‌دهیم)

- تمامی مخلوقات، از جمله انسان، در جهان در هر لحظه، کاری انجام می‌دهند. در علوم انسانی، به فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد، کنش می‌گویند و به انجام‌دهنده آن، کنشگر می‌گویند.
- کنش انسانی دارای ویژگی‌هایی است که رفتار انسان را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. بنابراین، عامل تمایز فعالیت‌های انسان از فعالیت‌های سایر مخلوقات، ویژگی‌های موجود در کنش انسانی است.

ویژگی‌های کنش انسانی

- آگاهانه بودن**
 - کنش، آگاهانه است. یعنی کنش آدمی وابسته به آگاهی اوست و بدون آگاهی انجام نمی‌شود.
 - مثال: اگر آگاهی خود را نسبت به معانی کلمات از دست بدهیم، از گفتار بازمی‌مانیم.
 - مثال: هنگام استفاده از یک کالای پیچیده، به علت عدم آگاهی از روش استفاده از آن، به سراغ دفترچه راهنمای آن می‌رویم.
- ارادی بودن**
 - کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا خواست و اراده افراد نباشد، انجام نمی‌شود.
 - نکته (۱): در انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده نیز لازم و ضروری است. زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد، ولی تصمیم (اراده) به انجام آن نگیرد.
 - نکته (۲): فعالیت‌های طبیعی بدن، مانند ضربان قلب، گردش خون و بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش نیستند. زیرا به صورت ارادی انجام نمی‌شوند.
 - مثال: قرار گرفتن انسان‌ها بر سر دوراهی، نشان‌دهنده ارادی بودن کنش است.
- هدفدار بودن**
 - فعالیت‌های انسانی، با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود، اگرچه ممکن است انسان همیشه به هدف خود نرسد؛ بنابراین پرسش «چرا چنین کاری را کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید.
 - مثال: انسانی که به رودخانه می‌رود، از این کار هدفی دارد. یا قصد شنا دارد، یا قصد ماهی‌گیری و ...
- معنادار بودن**
 - با توجه به سه ویژگی قبلی (آگاهانه، ارادی و هدفدار بودن کنش)، یک ویژگی دیگر برای کنش انسانی پدید می‌آید. کنش انسان، برخلاف رفتار سایر مخلوقات، معنادار است.
 - مثال: وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه‌خواستن از معلم است.

آثار و پیامدهای کنش انسانی

- پیامدهای کنش‌های انسان با توجه به نقش اراده انسان در آن، به دو دسته پیامدهای ارادی و غیرارادی تقسیم می‌شوند.
- این دسته از پیامدها، به اراده افراد انسانی (یعنی خود کنشگر و یا افراد دیگر انسانی) وابسته است.
- این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری، آن‌ها را انجام دهد.
- مثال: دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند (کنش انسانی)، در پی آن: اولاً؛ به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد. ثانیاً؛ استاد متناسب با تلاش او نمره می‌دهد.
- پیامد ارادی کنش است که وابسته به اراده خود کنشگر است. پیامد ارادی کنش است که به اراده افراد دیگر وابسته است.
- نکته: پیامدهای ارادی، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام شود یا انجام نشود.
- این دسته از پیامدها، به اراده انسانی بستگی ندارد.
- این دسته از آثار، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را اراده کند.
- مثال: وقتی شما پنجره‌ها را باز می‌کنید (کنش انسانی)، هوای کلاس تغییر می‌کند.
- پیامدهای غیرارادی کنش
- نکته: پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود.



نکته

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیر ارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند.

درس ۲ دهم: پدیده‌های اجتماعی (آنچه با هم پدید می‌آوریم)

کنش که به معنای فعالیت‌های انسانی است، با ملاک‌های مختلفی، به انواعی تقسیم می‌شوند:

ملاک تقسیم‌بندی	انواع کنش	توضیحات
محسوس یا غیرمحسوس بودن	درونی	کنش‌های ذهنی انسان هستند که قابل مشاهده نیستند. مثال: تفکر، تخیل و تصور کردن
	بیرونی	کنش‌هایی هستند که محسوس و قابل دیدن‌اند. مثال: راه رفتن، خوابیدن، قدم زدن و ...
ارتباط و توجه به دیگران در انجام کنش	فردی	در انجام آن، انسان به دیگران توجهی ندارد. مثال: به تنهایی به موسیقی گوش دادن
	اجتماعی	نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آن‌هاست. نکته (۱): عامل تبدیل کنش فردی به کنش اجتماعی، توجه به دیگران است. نکته (۲): کنش اجتماعی، ممکن است بدون حضور فیزیکی دیگران انجام شود. مثال: رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران

کنش اجتماعی



کنش اجتماعی، نوعی کنش انسانی است که در آن، آگاهی، اراده و توجه آدمی، ناظر به دیگران است. بنابراین کنش انسانی، عام‌تر از کنش اجتماعی است.

کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده‌های اجتماعی نامیده می‌شوند؛ در عین حال، کنش اجتماعی، خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

پدیده اجتماعی

آنچه ما انسان‌ها با هم پدید می‌آوریم، پدیده‌های اجتماعی نامیده می‌شود.
 بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، هنجار و ارزش، از پدیده‌های اجتماعی‌اند.
 بسیاری از آداب‌هایی که ما مراعات می‌کنیم، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها پیش روی ما قرار می‌گیرند.

– بررسی دو مورد از پدیده‌های اجتماعی –

۱) **هنجار اجتماعی**: شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای، احوال‌پرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد.

۲) **ارزش اجتماعی**: آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند. برای مثال، نظم، ادب و عفت از ارزش‌های اجتماعی است.



- نکات
- اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی محقق نمی‌شوند.
 - ارزش‌ها ← از جنس هدف و مقصودند.
 - هنجارها ← از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند.

– شیوه شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی (ارزش‌ها و هنجارها) –

● ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه، ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آن‌ها می‌شوند.

خلاصه کنش اجتماعی ← تحقق ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ← ضروری‌ساختن پدیده‌های جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی ← انتقال ارزش‌ها و هنجارها از طریق تعلیم و تربیت ← عمل کردن افراد مطابق ارزش‌ها و هنجارها ← تداوم و استمرار پدیده‌های اجتماعی مانند ارزش‌ها و هنجارها

● تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان، به همین طریق شکل می‌گیرند.

نکته ۱ پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آن‌جا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.

نکته ۲ پدیده‌های اجتماعی، به مرور از انسان‌هایی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند. اما پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی متفاوت هستند.

♦♦ درس ۳ دهم: جهان اجتماعی (دنیای گسترده ما) ♦♦

- جهان، واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. جهان اجتماعی نیز، مجموعه پدیده‌های اجتماعی است.
- برای شناخت بهتر مفهوم جهان اجتماعی، آن را با موجودات زنده مقایسه می‌کنیم. در هر مقایسه‌ای، تفاوت‌ها و شباهت‌های دو مفهوم باید بررسی شود.

♦♦ مقایسه جهان اجتماعی با موجودات زنده ♦♦

- ۱) **شباهت‌ها**
- جهان اجتماعی، همانند موجودات زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است.
 - اعضای جهان اجتماعی، همانند اعضای موجودات زنده، به یکدیگر وابسته‌اند و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.
- ۲) **تفاوت‌ها**
- جهان اجتماعی ← اعتباری است و با اراده و آگاهی انسان به وجود می‌آید. آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی مشترک و عمومی است.
 - موجودات زنده ← تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آید و به همین دلیل، با اراده اعضا تغییر نمی‌کند.
 - موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آن‌ها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند. ویژگی‌های آن‌ها از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. اما جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود.

نکته

- هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد:
- الف) جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد.
- ب) جهان اجتماعی آن دگرگون شده و به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

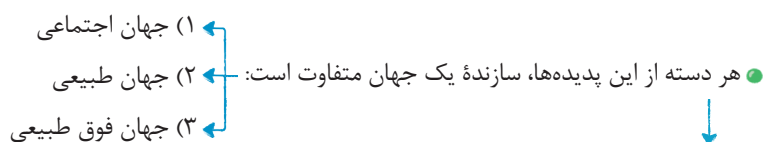
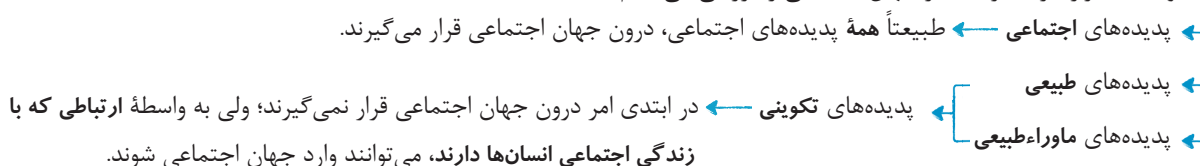
جامعه و فرهنگ

● جامعه گروهی از انسان‌ها هستند که سالیان متمادی با هم زندگی می‌کنند. اما فرهنگ، شیوه زندگی این افراد است. نوع خوراکی‌ها، پوشش‌ها، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های اخلاقی و ... از ویژگی‌های فرهنگی هستند.

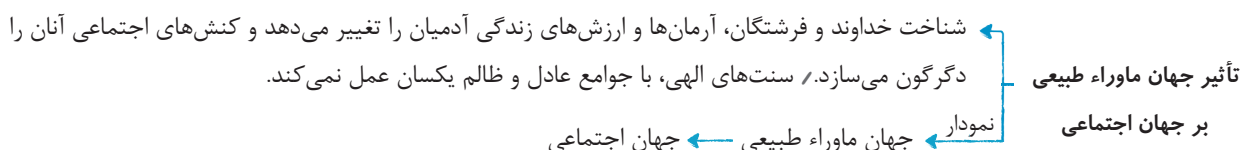
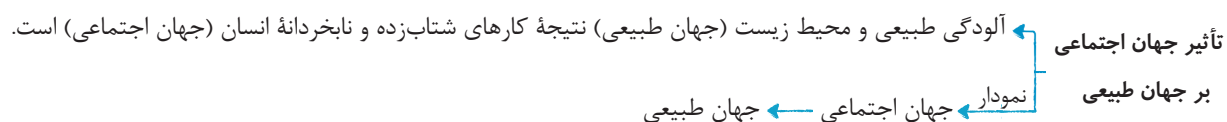
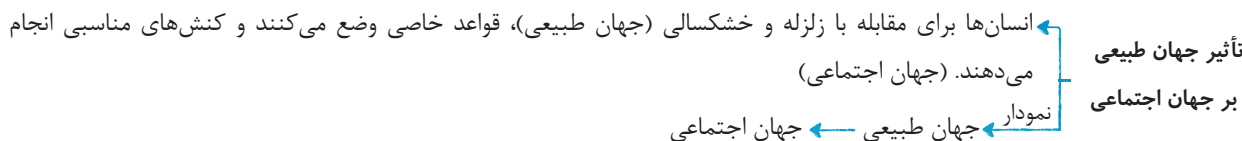
فرهنگ عمومی	آن بخش از فرهنگ، که همه اعضای جهان اجتماعی در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی است.
خرده فرهنگ	بخش‌هایی از فرهنگ که مربوط به قوم، قشر، صنف یا گروه خاصی است، خرده فرهنگ نامیده می‌شود. خرده فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی، خرده فرهنگ موافق نامیده می‌شوند. اغلب خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ عمومی سازگارند. خرده فرهنگ‌های ناسازگار با فرهنگ عمومی، ضد فرهنگ نام دارد.

گستره جهان اجتماعی

● منظور از گستره جهان اجتماعی، مجموعه پدیده‌هایی است که درون این جهان قرار می‌گیرند. به طور کلی از سه دسته پدیده می‌توان نام برد که وضعیت قرارگیری هر یک در جهان اجتماعی را بررسی می‌کنیم:



این جهان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. این تأثیر و تأثر، موجب گسترش جهان اجتماعی و ورود پدیده‌های طبیعی و فوق طبیعی به جهان اجتماعی می‌شود. در ادامه به بررسی برخی از این تغییرات می‌پردازیم:





♦♦ درس ۴ دهم: اجزاء و لایه‌های جهان اجتماعی (تشریح جهان اجتماعی) ♦♦

● برای شناخت بهتر جهان اجتماعی، آن را با موجودات زنده مقایسه می‌کنند. جهان اجتماعی، همانند بدن موجودات زنده، از اجزاء و لایه‌هایی تشکیل شده است.

♦♦ اجزای جهان اجتماعی ♦♦

● پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند که می‌توان آن‌ها را با توجه به دو معیار تقسیم‌بندی کرد:

➔ **توضیح:** پدیده‌های اجتماعی را می‌توان براساس اندازه و دامنه آن‌ها، از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب، طیفی در جهان اجتماعی ترسیم می‌شود که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و در سوی دیگر آن پدیده‌های اجتماعی کلان (بزرگ) قرار می‌گیرند.

➔ **مثال:**

خرد → میانه → کلان
کنش اجتماعی افراد → گروه‌ها و سازمان‌ها → فرهنگ و جامعه

➔ **فایده:** فایده این تقسیم‌بندی این است که میزان اثرگذاری و اثرپذیری از پدیده‌ها را بهتر درک می‌کنیم.

اندازه و دامنه

➔ **توضیح:** پدیده‌های اجتماعی را از حیث عینی یا محسوس بودن؛ یا ذهنی و نامحسوس بودن، می‌توان در یک طیف قرار داد.

➔ **مثال:**

عینی → میانه → ذهنی
سرعت‌گیر → قوانین راهنمایی و رانندگی → ذهنی نظم

ابعاد عینی و ذهنی

➔ **فایده:** در جهان اجتماعی، بعد ذهنی و معنایی پدیده‌ها اهمیت بسیاری دارد.

➔ **نکته:** تمامی پدیده‌های اجتماعی، بعد معنایی و ذهنی دارند؛ اما همه پدیده‌ها، بعد محسوس و عینی ندارند.

♦♦ لایه‌های جهان اجتماعی ♦♦

● اعضای بدن موجودات زنده، از لحاظ اهمیت یکسان نیستند و قلب و مغز، اهمیت بیشتری نسبت به سایر اعضا دارند. در جهان اجتماعی نیز، برخی لایه‌های جهان اجتماعی، از اهمیت بیشتری برخوردارند.

<p>● بخش‌هایی از جهان اجتماعی هستند که به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آن‌ها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد.</p> <p>● می‌توانند حذف شوند و با حذف آن‌ها، جهان اجتماعی هم‌چنان تداوم می‌یابد.</p> <p>● هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ اما هنجارها و نمادها برحسب شرایط قابل تغییراند.</p> <p>تغییر آن‌ها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تغییر و تحول بنیادین در جهان اجتماعی نمی‌شود.</p>	<p>لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها و نمادها)</p>
<p>● بخش‌هایی از جهان اجتماعی هستند که به آسانی تغییر نمی‌کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد.</p> <p>● تأثیرات تعیین‌کننده بر جهان اجتماعی دارند.</p> <p>➔ عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی ➔ عقاید کلانی که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد.</p> <p>➔ عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی ➔ باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان</p> <p>➔ جایگاه انسان در جهان</p> <p>➔ تفسیر انسان‌ها از مرگ و زندگی خود</p> <p>نکته: هر جهان اجتماعی براساس عقاید خود، هنجارها، ارزش‌ها و نمادهای خود را سازمان می‌دهد.</p>	<p>لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید و ارزش‌ها)</p>

●● نهادهای اجتماعی ●●

- وقتی اجزاء و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، نهادهای اجتماعی آشکار می‌شوند.
 - مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند.
 - نهاد اجتماعی
 - شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند.
 - در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارد، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارد.
 - مثال: خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند.
- ↓
- برای نمونه اجزاء و لایه‌های نهاد تعلیم و تربیت در جدول زیر آمده است:

نهاد تعلیم و تربیت			
نمادها	هنجارها	ارزش‌ها	عقاید
دفتر، قلم، دانش‌آموز، کلاس	برای داناشدن، باید به مدرسه رفت.	دانایی از نادانی بهتر است.	انسان تربیت‌پذیر است.

●● درس ۱ دوازدهم: ذخیره دانشی ●●

- آدمی تا قبل از این که بتواند سخن بگوید، از راه حواس، می‌فهمد. اما وقتی زبان می‌گشاید، به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. او با تفکر و تعقل، از دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تری از عالم و آدم می‌رسد. هم‌چنین از طریق مدرسه، دانشگاه و ... بر دانش خود می‌افزاید.
- هر آن چه فرد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزد، ذخیره دانشی یا ذخیره آگاهی او را تشکیل می‌دهد.
- ذخیره دانشی
- هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی، یک ذخیره دانشی دارد.
- ذخیره دانشی، راهنمای زندگی افراد و گروه‌هاست.
- ذخیره دانشی از دو بخش تشکیل شده است: (۱) دانش عمومی (۲) دانش علمی

●● دانش علمی و دانش عمومی ●●

- انسان‌ها با تولد و ورود جهان اجتماعی، در مجموعه‌ای از دانش‌ها با دیگران سهیم و شریک می‌شوند. این نوع از دانش را، دانش عمومی می‌نامند.
- اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند
- زندگی اجتماعی مختل می‌شود.
- جهان اجتماعی فرومی‌پاشد.
- از آن جا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی، دانش لازم برای کنش‌هایمان را تولید کنیم؛ بلکه جهان اجتماعی، این دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.
- ۱) دانش عمومی (دانش حاصل از زندگی)
- درباره آن کم‌تر می‌اندیشیم.
- دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست که بیشتر از آن استفاده می‌کنیم.
- در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم.
- دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



- دانش علمی، بخشی از ذخیره دانشی است که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می آید.
- درباره پدیده های اجتماعی، ممکن است هم دانش عمومی وجود داشته باشد و هم دانش علمی؛ اما دانش علمی عمیق تر و دقیق تر است.
- دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می گیرد و پیشرفت می کند؛ یعنی هرگاه در جامعه، مسئله خاصی مطرح می شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن مسئله، فراهم می شود.
- به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می رسد.
- کسی که دانش علمی دارد آسب ها و اشکالات مربوط به دانش عمومی را شناسایی می کند.
- قدرت پیدا می کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند.
- ۲ دانش علمی (دانش تخصصی و ویژه)

نکته

در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی:

- الف) همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می شناسند و برای حل برخی از آن ها راه حل هایی پیشنهاد می کنند.
- ب) افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می توانند برای آن ها راه حل های صحیح پیدا کنند.

تعارض میان دانش علمی و دانش عمومی

- گاهی میان دانش عمومی و دانش علمی یک جهان اجتماعی تعارض هایی پدید می آید. اعضای جهان اجتماعی برای حل این تعارض ها، تلاش می کنند. این تعارض ها به دو شیوه حل می شوند: ۱) رهاکردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر ۲) طرح ایده های جدید.

- بررسی یک مثال در ارتباط با تعارض دانش علمی و دانش عمومی -

- جهان های اجتماعی مختلف، براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند. مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را علم می داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی کند.
- وقتی چنین رویکردی به جوامع دیگر (که علم را به تجربه محدود نمی کنند و وحی را نیز می پذیرند)، سرایت می کند - در این جوامع، تعاریف متعدد و گاه متضاد، از علم رواج می یابد - و در ذخیره دانشی آن ها تعارض هایی پدید می آورد.

- ارتباط دو سویه دانش علمی و عمومی قطع می شود.
- در شرایط تعارض دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی ماند.
- دانش علمی، دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می دهد.

نکته

برای حل تعارض هایی مانند تعارض بالا، ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما مطرح شده است. این علوم باید دارای دو ویژگی باشد:

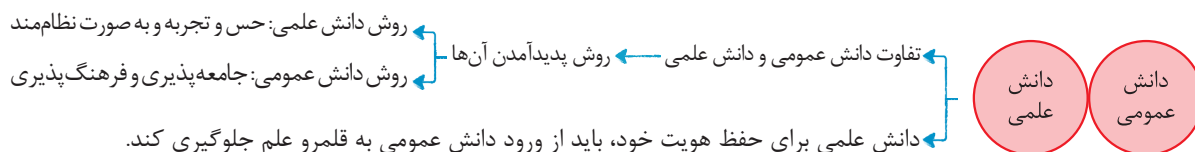
- | | |
|---|---|
| ۱) همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد. | یعنی در حل مسائل و مشکلات بومی ما، مفید و کارآمد باشد. |
| ۲) دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد. | یعنی به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد. |

نکته

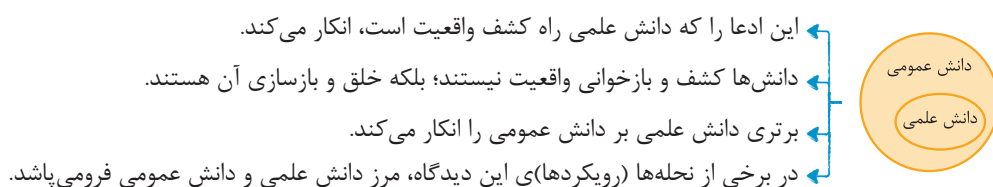
در اوایل قرن بیستم، عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای موضوع، به روش علوم تأکید کردند. آن‌ها فقط روش تجربی را معتبر می‌دانستند و سایر علوم مانند اخلاق و فلسفه را علم نمی‌دانستند. هم‌چنین معتقد بودند علوم انسانی و اجتماعی فقط در صورتی که از روش تجربی استفاده کنند علم محسوب می‌شوند. این رویکرد در نیمهٔ دوم قرن بیستم از رونق افتاد.

سه دیدگاه دربارهٔ دانش عمومی و دانش علمی

۱ دیدگاه اول: دانش علمی (تجربی)، راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است و دانش عمومی در مقابل دانش علمی، ارزشی ندارد.



۲ دیدگاه دوم: همهٔ دانش‌ها، دانش حاصل از زندگی است و دانش عمومی پایه و اساس هر گونه دانشی از جمله دانش تجربی است.



۳ دیدگاه سوم: دانش عمومی و دانش علمی رابطهٔ متقابل دارند، از هم اثر می‌پذیرند و متناسب می‌شوند. هر دانش علمی با هر دانش عمومی سازگار نیست.

